

زنگ ورزش، معلم ورزش و ورزشکارها

فرناز شهیدتالث

نزدیک به هفتاد سال از تصویب قانون اجباری شدن ورزش در مدارس می‌گذرد، اما همچنان ورزش مدارس در ذهن عموم، تداعی-کننده زنگ تفریح است. تصور اینکه معلم ورزش-اگر وجود داشته باشد-یک ربع دیرتر از سایر معلمان به کلاس می‌رود، یک توپ و یک جفت راکت به چند دانش‌آموز می‌دهد و آنها را تا هفته بعد به امان خدا می‌سپارد؛ یا به علت کمبود وقت معلم هندسه، ساعت ورزش این هفته استثنائاً به دبیر هندسه اختصاص می‌یابد.

گرچه هنوز در بین معلمان افرادی از این دست پیدا می‌شوند، مریبان ورزش، با اذعان به کمبود امکانات ورزشی مدارس، اعتقاد دارند سطح ورزش مدارس نسبت به چند سال پیش بالاتر رفته است و دلیل آن را آگاهی خانواده‌ها از اثرات ورزش در سلامت و تندرستی فرزندانشان می‌دانند.

شروط لازم برای یک معلم ورزش، داشتن حداقل مدرک لیسانس در رشته تربیت بدنی و تخصص در یک رشته ورزشی است که مسلماً در بالا رفتن سطح کیفی کار معلمان تأثیر دارد، گرچه در مواردی دبیر ورزش با مدرک دیپلم مشغول کار است.

■■■■■■■■

دانش آموز باید درك كند كه معلم ورزش شاداب است، اضافه وزن ندارد و می تواند پیشاپیش همه دانش آموزان ورزش کند.

■■■■■■■■

دبیران ورزش اعتقاد دارند نسل جدید ما نسبت به نسل قبل تنبل‌تر و خمودتر شده‌اند. حسن مزروعی، دبیر ورزش، می‌گوید: "دانش-آموزان هر سال نسبت به سال پیش با ورزش بیگانه‌تر می‌شوند. بچه‌ها دوست ندارند کار کنند و بازده داشته باشند. نسبت به گذشته توقعات بیشتری دارند و برخورد‌هایشان صادقانه نیست." بحث خصوصیات جمعی یک نسل و مقایسه آن با نسل‌های پیشین در مقوله روانشناسی اجتماعی می‌گنجد، اما باید دید چه عواملی موجب عدم تمایل دانش‌آموزان به تحرک و ورزش کردن می‌شود. آموزش و پرورش، معلمان ورزش، خانواده‌ها و دانش‌آموزان هر کدام دلایلی ذکر می‌کنند، و در مجموع هر کدام به نوعی مقصر است.

محمود سلیمانی که در یکی از مدارس راهنمایی منطقه ۲ تهران درس می‌دهد می‌گوید: "حیاط مدرسه ما کلاً از دو زمین والیبال به هم چسبیده کوچکتر است. امکانات ورزشی نداریم. یک حلقه بسکتبال در یک گوشه حیاط است که بیش از چهارپنچ نفر نمی‌توانند از آن استفاده کنند. امسال از بودجه سرانه‌ای که به ورزش اختصاص یافته یک میز پینگ‌پنگ، یک تشک ژیمناستیک کوچک و یک میله بارفیکس برای امتحان ورزش تهیه کرده‌ایم. می‌ماند یک توپ فوتبال، بیش از ۴۰ دانش‌آموز و یک ساعت و نیم زنگ ورزش." مهناز مقدم، معلم ورزش، عقیده دارد: "بعضی خانواده‌ها بیش از حد لازم مراقب بچه‌های خود هستند. خصوصاً شبهای امتحان که حتی لیوان آب را به دست فرزندانشان می‌دهند و کوچکترین تحرک را از دانش‌آموز سلب می‌کنند." در این میان نباید از نقش منفی بعضی معلمان ورزش غافل شد. معلم ورزش الگوی ورزشی دانش‌آموزان محسوب می‌شود. معلمانی دانش‌آموزان را به پوشیدن لباس مخصوص امر می‌کنند ولی خود حتی گرمکن نمی‌پوشند. معلمانی با اخلاق و رفتار نامناسب دانش‌آموز را از ورزش فراری می‌دهند. کسی که اخم‌هایش از

همه بیشتر در هم است و روحیه خرابی دارد اتفاقاً معلم ورزش است. دانش‌آموز باید بفهمد و درك كند كه معلم ورزش شاداب است، اضافه وزن ندارد و می تواند پیشاپیش همه دانش آموزان ورزش کند. مزروعی معتقد است: "معلم خوب باید مبتکر هم باشد؛ از کمترین امکانات بیشترین بهره را بگیرد و دانش‌آموزان را هر چه بیشتر به تحرک وادارد. با یک توپ هم می‌شود آموزش داد. همه اینها به خلاقیت معلم برمی‌گردد."

مسئولان ورزش اعتقاد دارند ورزش قهرمانی، خصوصاً در رشته‌های پایه، باید از آموزش و پرورش آغاز شود. اما در مدارس هیچ تحولی در جهت رشد ورزش نمی‌بینیم. برخی می‌گویند خود مسئولان رشته ورزش را در مدارس زده‌اند. دانش‌آموزان برای ورزش کردن باید جسمی سالم و قوی داشته باشند و برای رسیدن به این هدف لازم است از سالهای نخست دبستان با بچه‌ها کار کرد. در حالی که ورزش در مدارس ابتدایی، سالهای اول و دوم و سوم، حذف شده است. در مدارس ابتدایی، دانش‌آموزان قدرت پذیرش تکنیک و تاکتیک ندارند اما می‌توان با انجام بازیهای مختلف، در ارتباط با رشته‌های ورزشی، آهسته‌آهسته آنها را از نظر جسمی قوی کرد تا توانایی آموختن مهارت‌های تخصصی را پیدا کنند.

اما با این سیستم نمی‌توان انتظار پیشرفت قابل توجهی در مدارس داشت. معلمان ورزش، پیشنهاد می‌کنند در مدارس به جای زنگ ورزش، واحد ورزش داشته باشیم. باید دید واحدی کردن ورزش چه شرایطی دارد. حسن مزروعی، یکی از پیشنهاددهندگان این طرح می‌گوید: "انجام این کار خیلی ساده است. حتی بودجه‌ای هم نمی‌خواهد. مثلاً می‌توانیم هر یک از مدارس موجود در یک منطقه آموزشی را به یک رشته اختصاص بدیم-مثلاً یک مدرسه والیبال، یکی بسکتبال، یکی بدمینتون-و امکانات آن رشته را در مدرسه مهیا کنیم. دانش‌آموزان می‌توانند رشته مورد علاقه خود را انتخاب کنند و در ساعت

■■■■■■■■

نگاه بیشتر دانش‌آموزان به ورزش نگاهی است درسی، به این معنی که ورزش درسی است عملی—گاه به مراتب سخت‌تر از فیزیک و شیمی—که نمره آن در معدل تأثیر دارد.

■■■■■■■■

سعید درخشنده، سرپرست تیم ملی والیبال جوانان

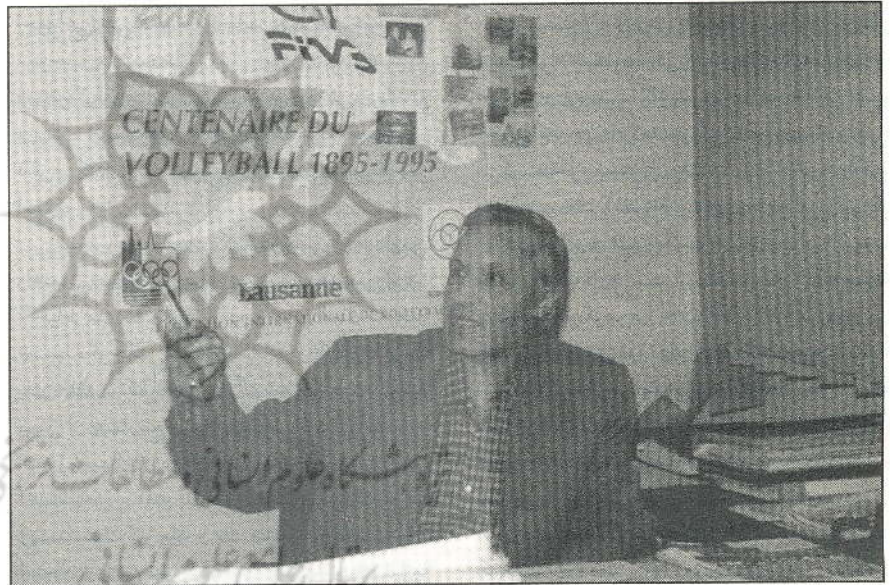
آموز را طبق جدول ارزیابی می‌کنند.
يك دختر دانش‌آموز می‌گوید: "سال دوم
راهنمایی، برای امتحان دو رفت و برگشت ثلث
دوم، به دلیل کمبود وقت، روی زمین بچزده از ما
امتحان گرفتند. در یکی از دوزدن‌ها، لیز خوردم
و زانویم آسیب دید. چند ماه با عصا راه می‌رفتم
و بیش از يك سال به‌طور کامل از ورزش دور
ماندم." دختر دیگری می‌افزاید: "از بچگی در
خانه میز پینگ‌پنگ داشتیم و من پینگ‌پنگ را
نسبتاً خوب بلد بودم تا جایی که در مسابقات
منطقه مقام می‌آوردم. اما برای یکی از امتحانات،
به محض اینکه از سرویس پیاده شدیم از ما
خواستند امتحان بدهیم. زمستان بود و ما بدون
گرم کردن پشت میز ایستادیم. تمام توپها خراب
شد و من حتی يك نمره نگرفتم."
معلمان این برخورد را قبول ندارند. حرف
تقریباً مشترکشان این است: هدف ما نمره دادن به
دانش‌آموز نیست. هدف به تحرك واداشتن

"اخبار ورزشی روز را به دانش‌آموز نمی‌دهم
چون کسی که علاقه‌مند باشد خودش دنبال اخبار
می‌رود. اگر هم علاقه‌مند نباشند، صحبت‌های من
برایش جذاب نیست. اما صحبت‌های کلی نظیر
طرز صحیح نشستن و راه رفتن، برخورد صحیح با
هم هنگام بازی و آگاهی از جسم از جمله
صحبت‌هایی است که در حیاط و در هنگام ورزش به
بچه‌ها می‌گویم."

بعضی معلمان با توجه به رویدادهایی مانند
المپیک و مسابقات رشته‌های مختلف ورزشی، با
شاگردان صحبت می‌کنند و به سؤالشان جواب
می‌دهند. این صحبت‌ها بیشتر در روزهای بارانی که
مناسب فعالیت در هوای آزاد نیست انجام
می‌شود. تعداد معلمانی که در چنین روزهایی در
کلاس 'سنگ، کاغذ، قیچی' بازی می‌کنند بسیار
بیش از گروه یاد شده است. حفظ نظم در ساعات
ورزش چه در کلاس، چه در حیاط و چه در
سالنهای ورزش، کاری است بسیار دشوار.

يك دختر دانش‌آموز می‌گوید: "فرار کردن از
مدرسه خیلی جالب‌تر از گوش کردن به حرف‌های
معلم است. زنگ ورزش هم که حواس کسی به
حضور و غیاب نیست." کمتر معلم ورزشی
می‌پذیرد که دانش‌آموزان در ساعت او کاری غیر
از ورزش انجام می‌دهند. اما اعترافات
دانش‌آموزان شنیدنی است. یکی می‌گوید: "در
زنگ ورزش بیش از هزار بار تکالیف درس دیگر
را نوشته‌ام." او دلیل این کار را بی‌توجهی
معلمانش به دانش‌آموزان می‌داند: "وقتی يك
توپ به ما می‌دهند و می‌گویند بروید فوتبال بازی
کنید و حتی نتیجه بازی را هم نمی‌خواهند، به
جای وقت تلف کردن، نمره منفی ساعت بعد را
جبران می‌کنیم." دختری که دو سال پیش از
مدرسه فارغ‌التحصیل شده می‌گوید: "از اوایل
راهنمایی در مدرسه والیبال و بسکتبال یاد
گرفته‌ایم اما اگر الآن یک توپ به من بدهند حتی
نمی‌دانم چطور باید گارد بگیرم." پاسخ این سؤال
را حسن مزروعی این طور می‌دهد: "همه مسائل
ما مقطعی است. اگر دنبال تکنیک می‌رویم،
می‌خواهیم نمره بگیریم نه اینکه ورزش کنیم. در
ورزش شرط اول علاقه است. به زور نمی‌شود
ورزش را به دانش‌آموز تحمیل کرد."

ورزش در طبقات مختلف جامعه شکل‌های
متفاوتی دارد. مهناز مقدم می‌گوید: "تحرك
دانش‌آموزانی که در خانواده‌های پرجمعیت زندگی
می‌کنند و بعضی در فقر مالی به سر می‌برند بیش
از تحرك دانش‌آموزانی است که تک‌فرزند
هستند." معلم‌های دیگری هم با این عقیده
موافقند: "غالباً فرزندان خانواده‌های پرجمعیت



بچه‌هاست. معلم ورزش از هر دانش‌آموزی بنا به
شرایط خودش انتظار انجام تمرین دارد. از
دانش‌آموزی با وزن بالا که حتی نمی‌تواند درست
راه برود انتظار نمی‌رود مانند دانش‌آموزی با
فیزیک بدنی مناسب بدود یا بسکتبال بازی کند.
از دیگر نکات در معلم ورزش، اشراف او بر
علم این رشته است. کمتر معلمی پیدا می‌شود که
در مورد ورزش با دانش‌آموزان صحبت کند.
بعضی معلمان می‌گویند تا به حال به این موضوع
فکر نکرده‌اند. بعضی می‌گویند دانش‌آموز برای
رفتن به حیاط عجله دارد و گوشش بدهکار
صحبت معلم نیست. مهناز مقدم می‌گوید:

مخصوص به آن مدرسه بروند. البته این طرح به
برنامه‌ریزی نیاز دارد و بررسی آن با مسئولان
آموزش و پرورش است.

اما نگاه بیشتر دانش‌آموزان به ورزش نگاهی
است درسی، به این معنی که ورزش درسی است
عملی—گاه به مراتب سخت‌تر از فیزیک و
شیمی—که نمره آن در معدل تأثیر دارد. برای
امتحان ورزش و نمره آن چهارچوب خاصی
مشخص شده اما حرکت در این چهارچوب و
ارزشیابی دانش‌آموزان به عهده خود دبیر است.
بعضی دبیران به شدت مقرراتی و پایبند مسیری
مشخص شده‌اند و تحت هر شرایطی نمره دانش-

وارد رشته‌هایی می‌شوند که هزینه کم اما احتمال صدمه دیدن زیاد دارد، مثل کشتی و وزنه برداری و فوتبال. از رشته‌هایی نظیر تنیس، شنا و گلف در خانواده‌های کم‌فرزند و با درآمد بالا استقبال می‌شود.

کمتر معلمی حاضر است ورزش مدرسه در ایران را با سایر کشورها مقایسه کند. محمود سلیمانی: "دو چیز را که هیچ شباهتی به هم ندارند نمی‌توانید مقایسه کنید، حتی اگر نام هر دو 'ورزش مدرسه' باشد. امکانات ورزشی، اهمیت ورزش، علاقه به درس ورزش در کشورهای دیگر با این‌جا متفاوت است."

کسانی می‌گویند ورزش درس ساده‌ای است که می‌توان در ساعت آن به جای رفتن به حیاط، تمرین ریاضی حل کرد. اما معلمان ورزش معتقدند این تصور که هر معلمی بتواند درسی را

جایگزین ورزش کند کاملاً اشتباه است. حتی گفته می‌شود ممکن است معلمان ورزش از دبیرهای دیگر اجازه بگیرند که دانش‌آموزان را برای انجام مسابقه یا گرفتن امتحان به حیاط ببرند، اما معلمان ورزش ساعت خود را به سایر دبیران نمی‌دهند. نگاه‌های متعجب دانش‌آموزان در هنگام شنیدن این حرف حکایت از داستان دیگری دارد.

مهمترین مشکل ورزش ما در مدارس چیست؟ سلیمانی از کمبود امکانات می‌گوید: "اولین چیزی که به ذهن یک معلم می‌رسد این است که با امکانات بیشتر خصوصاً فضای مناسب ورزش، خیلی کارها می‌توان انجام داد." مقدم نبود سالنهای ورزش را بزرگترین مشکل مدارس دخترانه می‌داند: "باور کنید با اونفورم مدرسه-

یعنی مانع و مقنعه- ورزش کردن خیلی سخت است. ما همیشه به بچه‌ها می‌گوییم باید با همین شرایط کار کنند اما در این شرایط حتی نمی‌توان درست ترمش کرد. حالا مسابقه دو و امتحان بسکتبال بماند."

مزروعی گسترش و پیشرفت ورزش را مهمترین موضوع می‌داند: "بهترین راه برای پیشرفت ورزش این است که معلمان تأمین باشند و به خاطر فرار از بیکاری معلم ورزش نشده باشند. معلم ورزش علاوه بر داشتن مدرک تحصیلی باید علاقه‌مند به تدریس ورزش هم باشد. در غیر این صورت هیچ بهره‌ای نخواهد داشت. مثل کتابخانه‌ای پر از کتابهای نفیس که کسی از آن استفاده نکند."

آقای مربی، شما چکاره‌اید؟

در ایران استقبال عمومی از ورزش به یکی دو رشته خاص محدود است و سرمایه‌گذاری‌ها و توجه مسئولان به همین رشته‌ها محدود می‌شود. مطبوعات و رادیو-تلویزیون هم انگار فراموش کرده‌اند که در دنیای ورزش رشته‌های دیگری نیز وجود دارد.

مربیان رشته‌های پایه در عین حال که از این وضعیت گله دارند، می‌گویند ورزشهایی که به آنها بها داده می‌شود برای ما افتخارآفرین و مایه دلخوشی مردم هستند و بودجه‌ای که تا به حال صرف آنها شده شاید کم هم بوده است.

در کنار صحبت با مربیان رشته‌های پایه، به یکی دو رشته هم که در سالهای اخیر در آنها پیشرفت داشته‌ایم- والیبال و وزنه برداری- و همچنین فوتبال دختران که از جدیدترین رشته‌های ورزشی دختران است می‌پردازیم.

آموزش در ورزش ما چه نقشی دارد و نقش مربی در این آموزش چقدر است؟

محمد آذربی سرمربی تیم ملی ژیمناستیک مردان ایران است. برای گفتگو با او به ساختمان آجری رنگ فدراسیون ژیمناستیک می‌روم. راه‌روها پر است از اخطار "ورود خانمها ممنوع"؛ در سالن این اخطار تبدیل می‌شود به "با کفش داخل نشوید". به من لطف می‌کنند و در هر دو مورد استثنا قائل می‌شوند. آذربی می‌گوید: "ژیمناستیک در ایران جایگاه یک ورزش پایه را نداشته و، بنا به دلایلی، در آینده قابل پیش‌بینی

فرهنگ ژیمناستیک آن‌طور که باید در جامعه جا نیفتاده، فعلاً سن مطلوب را هفت‌سالگی می‌گیریم که کودک به مدرسه رفته و تا حدودی با مقرراتی مثل حضور معلم، در صف ایستادن و غیره آشنا شده و مربی راحت‌تر می‌تواند با او کار کند. آموزش ژیمناستیک زیر نظر مربیان مجرب در این سن ضروری است. در غیر این صورت، ژیمناست در آینده ممکن است دچار عوارض جسمی شود. افرادی که به‌عنوان مربی ژیمناستیک فعالیت

هم نخواهد داشت. کشورهایی که در ژیمناستیک موفق هستند مدرسه ژیمناستیک دارند. علاقه‌مندان به این رشته وارد مدرسه می‌شوند و بعد از دو سه سال کار و شناسایی استعدادها می‌توانند به رشته‌های دیگر نیز کمک برسانند. نمی‌گویم ورزش صددرصد به آموزش و پرورش وابسته است اما باید از مدرسه شروع شود. دهه‌هاست که پیشکسوتان ورزش، ورزشکاران، مربیان و مسئولان در مصاحبه‌ها تکرار می‌کنند که "ورزش باید از مدارس شروع شود" ولی هیچ کاری انجام نمی‌شود.

اما بدون مدرسه مخصوص، علاقه‌مندان این رشته چگونه ژیمناستیک یاد می‌گیرند؟ "کلاسهای ژیمناستیک در سطح کشور وجود دارد. متأسفانه بسیاری از کسانی که می‌خواهند ژیمناست شوند ابتدا چند سال وقت و سرمایه و انرژی خود، خانواده و مربی را هدر می‌دهند تا متوجه شوند بنا به دلایلی- مثلاً یک ایراد پزشکی یا نداشتن جسارت لازم- به درد این کار نمی‌خورند. برای رفع این مشکل مشغول بررسی طرحهایی هستیم که در شش ماه اول کار متوجه شویم آیا ورزشکار برای ژیمناستیک مناسب هست یا نه."

یادگیری ژیمناستیک، مانند دیگر رشته‌های ورزشی، شرایطی خاص دارد. مواردی از قبیل فیزیک بدنی مناسب، روحیه هماهنگ و سن مناسب برای شروع. "بهترین سن برای شروع ژیمناستیک پنج‌سالگی است. اما چون هنوز

مدتی پیش کمیته ملی المپیک از سه مربی کوبایی دعوت کرد به مربیان ما برنامه‌ریزی یاد بدهند. مربیان بعد از اینکه در سشان تمام شد گفتند: "این برنامه به درد مملکت شما نمی‌خورد، چون تعطیلات شما بیش از روزهای کاری است."

مربی ایرانی مثلاً ماهانه سی هزار تومان حقوق دارد. وقتی حقوق پانصد هزار تومانی مربی خارجی را می بیند تمام ذوق و شوقش را از دست می دهد.

محمد آذری، سرمربی تیم ژیمناستیک (سمت چپ):
ماهان بازرنگ

”بچه‌های ما در گروه سنی زیر یازده و زیر سیزده سال واقعاً قوی‌اند. چند سال پیش نوجوانان ما حریفانشان را در رومانی شکست دادند. بنابراین مربیان ما بدکار نمی‌کنند و می‌توان گفت توان بچه‌ها هم بالاست. از این مرحله به بعد عوامل مختلفی مثل درس و شغل و امکانات و غیره دست‌به‌دست هم می‌دهند و مشکلاتی ایجاد می‌شود. مثلاً هنوز این امکان پیش نیامده تا روی ژیمناست‌ها در رده‌های سنی پائین دقیق سرمایه‌گذاری کنیم. اگر برای بازیهای آسیایی بعد یا المپیک بعد برای بچه‌ها برنامه‌ریزی دقیق انجام دهیم که مثلاً در روز دو نوبت تمرین کنند، ما هم پیشرفت می‌کنیم.

”برای این منظور بعد از مسابقات چین، طرح توسعه قهرمانی مطرح شد: برنامه‌ای برای گروه سنی ۱۱ تا ۱۵ سال که فدراسیون و خود من را



امیدوار کرده که تا دو سال آینده در ژیمناستیک تغییری کلی صورت گیرد و روند پیشرفت ده‌ساله‌مان را در دو سه سال طی کنیم. ”در اجرای اولیه این طرح زیاد موفق نبودیم. به این نتیجه رسیدیم که یک‌شبه نمی‌توانیم قهرمان شویم. خیلی زود برنامه را تغییر دادیم و سطح آن را پائین‌تر آوردیم. آخرین آزمون مرحله اول انجام شده و پاسخ کاملاً مثبت بوده است. هر مرحله این طرح نسبت به مرحله قبل مشکل‌تر می‌شود.

”البته هم برای ورزشکار و هم برای مربی پاداش در نظر گرفته شده. مربی اگر در هر مرحله سه ژیمناست بفرستد، فدراسیون با او قراردادی همراه با حقوق ثابت ماهانه می‌بندد.“

بحث شیرین حقوق و پاداش: هم برای مربی و هم برای ورزشکار. ژیمناست‌ها برای عضویت در تیم ملی پولی دریافت نمی‌کنند و، به گفته خودشان، حتی لوازم مورد نیاز را هم باید خودشان تهیه کنند. آذری می‌گوید: ”بعد مالی قضیه، هم برای مربیان و هم برای ورزشکاران اهمیت دارد. در جهانی که ورزش حرفه‌ای شده، ما نمی‌توانیم به ورزشکارمان بگوییم گرسنگی بکش، پول ماشین نداری پیاده سر تمرین بیا، پول نداری آب میوه نخور و برو افتخار کسب کن. باید به ورزشکار پاداش مالی بدهیم تا دلگرم شود.

بچه‌های ما هم می‌توانستند به جای روزی پنج ساعت تمرین، درس بخوانند و مثلاً مهندس شوند. اما با روشی که در پیش گرفته‌ایم آنها نه می‌توانند صددرصد در درس موفق شوند و نه در ورزش. البته خوشبختانه بچه‌ها با تلاش خود به دانشگاه هم راه پیدا کرده‌اند، اما به شرطی می‌توانیم ورزشکارانمان را جمع کنیم که بتوانیم آنها را راضی نگه‌داریم. همین‌طور در مورد مربیان، مربیان خوبی در استانهای ما کار می‌کنند که با همین امکانات ناچیز هم ژیمناست‌های واقعاً خوبی تحویل داده‌اند. چنین مربیانی زحمت می‌کشند. اما می‌رویم از خارج مربی می‌آوریم و مجبوریم ماهانه ۶۰۰ دلار به آنها حقوق بدهیم. تازه استفاده درستی هم از آنها نمی‌کنیم. الان چهار مربی خارجی داریم که دائم در این شهر و آن شهر سرگردانند؛ دو ماه ارومیه، یک ماه کرمان و جاهای دیگر. با این روش، مربی بازده مفیدی نخواهد داشت. از بهترین مربی دنیا هم نباید انتظار معجزه داشت. بعلاوه، مربیان خارجی باید بدانند از آنها جواب می‌خواهیم. مثلاً هر سه ماه یک بار باید نتیجه کارشان را ارزیابی کنیم تا بدانند در مقابل پولی که می‌گیرند باید کار کنند. اگر به اصل قضیه برگردیم می‌بینیم بازده مربیان داخلی بالاتر است. مربی ایرانی از هر کلاس ده هزار تومان حقوق می‌گیرد و مثلاً ماهانه سی هزار تومان حقوق دارد. این مربی وقتی حقوق پانصد هزار تومانی مربی خارجی را می‌بیند تمام ذوق و شوقش را از دست می‌دهد. مربی ایرانی هم با حقوق مناسب‌تر البته بهتر کار خواهد کرد. البته حضور مربی خارجی تأثیر دارد ولی اثر آن تا به حال چشمگیر نبوده است. استفاده از مربی خارجی اگر محاسنی داشته باشد عیب هم دارد.“

شنیده بودیم در مسابقات آسیایی در تایلند، در رشته ژیمناستیک، ماهان بازرنگ و محمود عرب حرکت جدیدی ابداع کرده‌اند، اما هرچه منتظر شدیم چیزی نتدیدیم و تیم ایران امتیاز خاصی نیاورد. ”البته حرکت جدید بود ولی بارم

آن پائین بود. اگر دو ماه بیشتر فرصت تمرین داشتیم و حرکت را مثلاً با يك پیچ اضافه تمرین می کردیم می توانستیم با رم را به ۱۰ برسانیم. ولی از این جهت که کشوری در غرب آسیا که در ژیمناستیک صاحب عنوان نبوده يك حرکت جدید انجام داده، برای بقیه کشورها هم جالب بود.

برنامه ریزی برای زمانبندی تمرینها به عهده کیست؟ چرا وقت کم آوردند؟ آذری می گوید: "برنامه ریزی در درجه اول با فدراسیون است، بعد با سرمربی تیم ملی. اگر برنامه تغییر کند فدراسیون مسئول است. مدیر تیمهای ملی و دبیر فدراسیون و دیگران دست به دست هم می دهند تا تیمی عازم مسابقات شود. البته اگر بدانیم صددرصد اعزام می شویم، هم برنامه دقیق تری فراهم می کنیم و هم بچه ها بهتر کار می کنند. متأسفانه قبلاً در دفعات مختلف به ژیمناستها وعده هایی داده بودند ولی عمل نشد. برای مثال، قبل از مسابقات جهانی چین، يك ماه برای اردو به ارمنستان رفتیم. به هزینه خودمان و با زحمت زیاد آنجا ماندیم تا بچه ها حرکت جدید یاد بگیرند که از آنجا به مسابقات برویم. تمام گروه زحمات زیادی متقبل شدند تا جایی که نایب رئیس فدراسیون مجبور می شد خودش برای بچه ها غذا درست کند. وقتی از ارمنستان آمدیم گفتند نمی توانید به مسابقات بروید. دلایلی اهمیت ندارد اما برای ما ضربه روحی بزرگی بود و باعث ناباوری بچه ها برای مسابقات بعد. علاوه بر این، هر بار اسم یکی دو نفر اتوماتیک وار حذف می شود چون بچه ها باید دنبال معافی سرپازی باشند، دنبال دیلم، پاسپورت و غیره که باید قبلاً برایشان انجام شود تا ورزشکار دغدغه این مسائل را نداشته باشد و منظم تمرین کنند. متأسفانه همیشه قبل از مسابقات، بچه ها به تمرین مرتب نمی رسند و سر مسابقه حد نصاب لازم نمی آورند. اگر بتوانیم به ژیمناستهایمان در همین موارد برسیم من می توانم تضمین کنم که تا سه چهار سال دیگر مدال می آوریم. بچه های ما خصوصاً در سه رشته خرنک، خرنک حلقه و دار حلقه قوی هستند اما شعارهای ما زیاد است: وعده می دهیم و عمل نمی کنیم. با جیب خالی و شعار به جایی نخواهیم رسید."

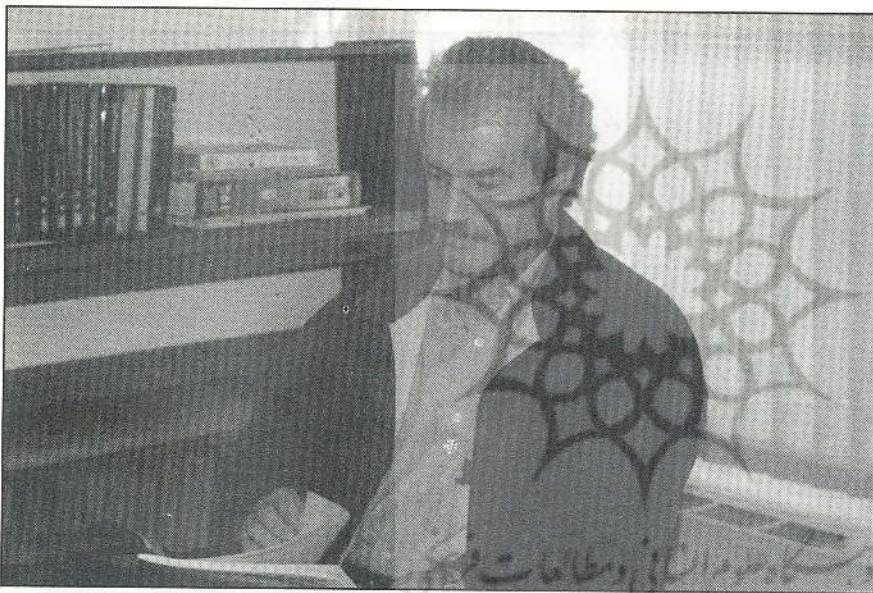
نمی توان از ژیمناستیک صحبت کرد اما در مورد ژیمناستیک دختران چیزی نگفت. درباره تیمی که در سطح ملی کار نمی کند البته صحبت چندانی نیست، اما مریبان می گویند ژیمناستیک دختران ما بد نیست؛ گرچه به دلیل شرایط خاصمان قدرت رقابت با سایر کشورها از

دخترانمان گرفته شده است. "یکی دو بار ما از تیمهای سوریه و جمهوری آذربایجان دعوت کرده ایم، ولی آنها از تیم ما دعوت نمی کنند چون مریبانشان مرد هستند و ما می گوئیم مرد در سالن نباشد." خارج از سطح ملی، ژیمناستیک در باشگاهها رو به رشد و گسترش است. یا حداقل می توان امیدوار بود که به رغم تمام اطلاع نرسانی ها و فقدان تبلیغات، ژیمناستیک دختران رشد کند.

وضعیت دو دختران. هم در سطوح مبتدی و هم در سطح حرفه ای، نسبت به چند سال پیش تغییر محسوسی داشته است. این تغییر را می توان صبحها در پارک محله دید: شمار خانمهایی که برای ورزش صبحگاهی به پارک و میدانها و خیابانها می آیند و می دوند یا پیاده روی می کنند در حال افزایش است.

خصوصاً در دبیرستانها، درونی کنیم. مدارس ما خیلی کم به ورزش اهمیت می دهند. دانشجویانی که برای امتحان تربیت بدنی می آیند هر ترم نسبت به ترم قبل از نظر حرکتی و جسمی کندتر و ضعیف ترند. در استان تهران فقط سالن شهید کشوری برای دو مناسب است که اینجا هم بیشتر به سایر ورزشها اختصاص پیدا می کند. بچه های تیم در هفته سه ساعت می توانند از سالن استفاده کنند. دخترها برای تمرین رشته هایی مثل پرتاب، زمین روباز در اختیار ندارند. به رغم کمبود امکانات ورزشی، مریبان ما توانسته اند در زمینه دو و میدانی خوب فعالیت کنند.

با توجه به اینکه استقبال مردم از این رشته بیشتر شده و از نظر کمیّت رو به افزایش است، نسبت مریبان به ورزشکاران چقدر است؟ آیا مریبانی که در کلاسهای مربیگری شرکت کرده اند



بیژن شادمهر، مربی دو و میدانی

در ورزشگاه شهید کشوری چند دقیقه به شروع کلاس، تعداد زیادی خانم در حال دویدن و گرم کردن هستند. شمسی آقامحمدی مسئول هیئت دو و میدانی استان تهران و مربی دو، علت تغییر وضعیت دو و میدانی را آشنایی بیشتر خانمها با حفظ سلامت بدن با ورزش می داند: "گذشته از اینکه خانواده ها به مزایای ورزش آگاهی پیدا کرده اند، ورزش دو نیاز به وسیله خاصی ندارد و هزینه آن بالا نیست. بعلاوه، استقبال خانمها از دو به صورت حرفه ای و در ورزشگاه هم بهتر شده و نسبت به سالهای قبل پیشرفت کرده ایم، البته نه اینکه در آگاهی دادن به مردم عالی عمل کرده باشیم. به زمان زیادی نیاز است تا بتوانیم فرهنگ ورزش کردن را در جامعه،

دوندگان ما به طور
اتفاقی مطرح
می شوند. فرایندی
هدفمند برای انتخاب
که برنامه ریزی و
محاسبه شده باشد
وجود ندارد.

می‌توانند جوایگویی متقاضیان باشند؟ "کلاسهای مختلفی برای مربیگری در این رشته برگزار شده اما متأسفانه بیشتر کسانی که کارت مربیگری می‌گیرند به کار ادامه نمی‌دهند. کسی که ادامه می‌دهد واقعاً باید عاشق کار باشد چون زحمات این رشته بسیار زیاد و حق الزحمه آن بسیار کم است. به این ترتیب، کمتر کسی به‌عنوان مربی فعالیت می‌کند. امیدواریم از طرف فدراسیون طرحهایی پیاده شود تا بتوانیم از حداکثر نیروی انسانی بهره‌برداری کنیم."

بیژن شادمهر، یکی از مربیان تیم ملی دو و میدانی، اعتقاد دارد: "با وجود اینکه دو و میدانی امکانات خاصی نمی‌خواهد، کار حرفه‌ای در رشته‌های مختلف آن، هم به مکان نیاز دارد و هم به امکانات. در حال حاضر حتی برای قهرمانان

علی مرادی، دبیر فدراسیون وزنه‌برداری

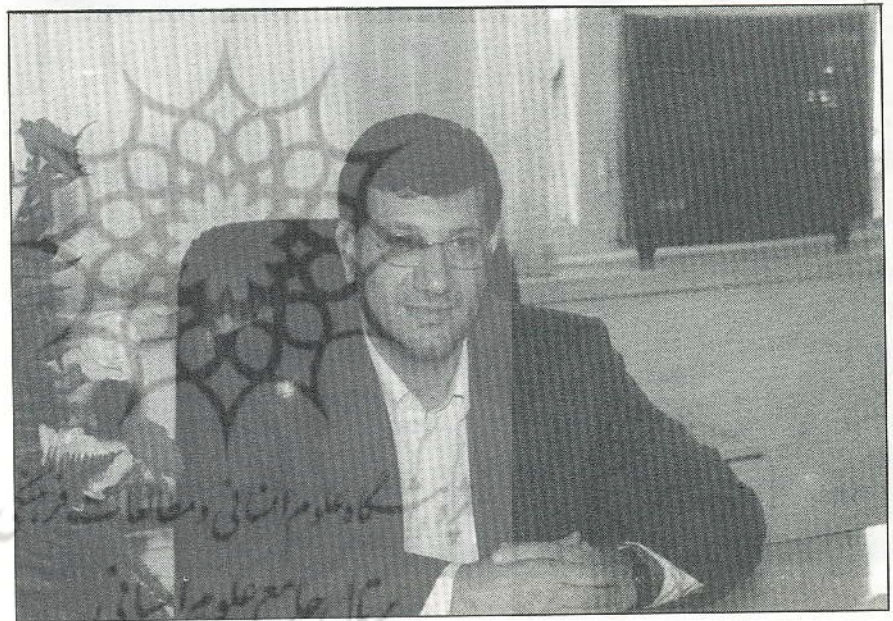
می‌شوند. فرایندی هدفمند که برنامه‌ریزی و محاسبه شده باشد وجود ندارد. ورزشکاران طی چند مسابقه شناخته می‌شوند. برای شناساندن بهترین رشته برنامه‌هایی مطرح شده ولی به اجرا در نیامده است. اوج برنامه، افزایش تعداد مسابقه‌ها در رده‌های سنی پایین‌تر بوده ولی ارزیابی فنی از قابلیت‌های جسمی ورزشکاران صورت نگرفته تا افراد با استعداد شناخته شوند. باید در جستجوی مسیری باشیم که باعث جوشش استعدادها و جذب آنها شود. اجرای چنین مکانیسمی در سیستم ورزشی نیازمند سرمایه‌گذاری بالا و صرف زمان طولانی است، اما تا وقتی تمام توجهات به ورزشهای خاص منحصر شود، نمی‌توان انتظار زیادی داشته باشیم."

شادمهر در مورد نظام آموزش و پرورش کشور و تأثیر ورزش مدارس در رشته‌های مختلف ورزشی خصوصاً ورزشهای پایه می‌گوید: "امکانات آموزش و پرورش بسیار کم است. در واقع مسئولان آموزش و پرورش به علت کمبود فضا و زمان مناسب تلاش می‌کنند مشکلات آموزشی را حل کنند و برای مسائل پرورشی وقت چندانی ندارند. ورزش جزء نگرانیهای درجه چندم محسوب می‌شود. به عقیده من اول باید ساعات ورزش مدارس منظم شود تا دانش‌آموزان بتوانند ورزش کنند نه اینکه در زنگ ورزش هرکس مشغول کار خود باشد. بعد از این مرحله، آموزش و پرورش می‌تواند برنامه‌هایی طراحی کند تا دانش‌آموزان بتوانند از مکانهای ورزشی مانند ورزشگاه شیروودی یا دیگر ورزشگاهها در ساعاتی که مسابقه‌ای برگزار نمی‌شود استفاده کنند. شاید این اقدام نخستین گام برای پیشبرد ورزش در آموزش و پرورش باشد."

شنا يك ورزش ديگر پایه است که در مقایسه با ژیمناستیک و دو و میدانی وضعیت بهتری دارد. آشنایی مردم با این رشته و آگاهی به خواص جسمانی-روانی این ورزش حسن بسیار بزرگی است، خصوصاً در کشور ما که موارد بیماری استخوانی و ناراحتی اعصاب فراوان است. اما ورزش قهرمانی جایگاه دیگری دارد.

کیوان امرالله از مربیان با سابقه شناست، صبح يك روز تعطیل در استخر شهید کشوری مشغول کار است. بعد از اتمام کلاسش می‌گوید: "خوشبختانه ذهن مردم نسبت به ورزش شنا بازتر شده است. اما این استقبال در ده ماه از سال قطع می‌شود. به این شکل، بچه‌ها فقط آب بازی یاد می‌گیرند. اگر بخواهیم قهرمان تحویل دهیم،

رده‌بندی خواهند داشت." در ورزشهای گروهی مثل فوتبال و والیبال نقش مربی، ملموس و قابل رؤیت است: انتخاب بازیکنان از تیمهای مختلف باشگاهی، آموزش دادن تاکتیک تیمی و هماهنگ کردن بازیکنان، اجرای سیستمهای متفاوت در بازیهای مختلف و تعویض بازیکنان. در ورزشی انفرادی مانند دو، مربی چه نقشی دارد؟ "مربی جزئی از مجموعه اجزائی است که يك ورزشکار را به بالاترین حد توان حرکتی خود می‌رساند. در دو و میدانی به دلیل تنوع رشته‌ها، هر مربی باید به‌طور تخصصی در يك رشته کار کند تا برای تیم مثمر ثمر باشد. مسلماً اگر بهترین مربی دنیا را برای يك تیم در نظر بگیریم ولی امکانات لازم را در اختیار او نگذاریم هیچ نتیجه‌ای نخواهیم گرفت. ما از سه مربی خارجی در سطح پایین‌تر از تیم ملی استفاده



نیست. البته مجموعه‌ای که در حال حاضر مسئولیت را به دست گرفته‌اند بسیار تلاش می‌کنند. در دو سال اخیر از همه جهات خصوصاً از لحاظ مالی حمایت‌های مؤثری شده است. اگر همین روند ادامه یابد، می‌توان امیدوار بود که تا حد زیادی مشکلات حل شود."

در هر ورزشی برای انتخاب اعضای تیم ملی به سراغ تیمهای موجود در سطح کشور می‌روند و افرادی فعال در رشته مورد نظر را به تیم جذب می‌کنند. اما برای ورود به يك رشته خاص ورزشی عواملی از قبیل شناخت، علاقه و استعداد مطرح است. ورزشکاران دو و میدانی چگونه مشخص می‌شوند؟ "به‌طور اتفاقی مطرح

اجازه نداریم از زمین چمن فوتبال استفاده کنیم." در مورد استقبال مردم، خصوصاً جوانان، از دو و میدانی می‌گوید: "عمده صحبت‌ها تکراری است. رشته‌های پایه، ورزشهایی انفرادی‌اند که سلیقه‌های خاص می‌طلبند. بنابراین قابل مقایسه با ورزشهای گروهی نیستند. به ورزشهای پایه باید به عنوان زیربنا و سازنده سایر ورزشها نگاه کرد. اما رشته‌های پایه به دلیل جذابیت بیشتر ورزشهای گروهی در جامعه ما مهجور مانده‌اند و جوانان آشنایی چندانی با آنها ندارند. در حالی که در مسابقاتی مثل المپیک حدود ۱۳۲ مدال به دو و میدانی اختصاص دارد. مسلماً کشورهایی که در این رشته‌ها خوب عمل می‌کنند جایگاه بهتری در

یادگیری باید استمرار داشته باشد و در حد مسابقه کار کنیم. برای این منظور لازم است به عواملی توجه کنیم. از جمله نقش مهم آموزش و پرورش و همکاری آن با فدراسیون شنا، نقش مربی در شناخت استعدادها و پرورش آنها و همچنین نقش خانواده‌ها در ترعیب بچه‌ها به ورزش از سنین پائین. ورزش شنا هرچه در سن پائین‌تر آغاز شود بهتر است. شنا را می‌شود از شش ماهگی آغاز کرد. فردی که از سن پائین شروع به کار می‌کند در دوره نوجوانی فنون شنا را خیلی سریع فرا می‌گیرد و در هجده سالگی کاملاً حرفه‌ای است و تا بیست و سه چهار سالگی فرصت برای قهرمان شدن دارد. در سطح دنیا بهترین ورزشکاران از مدارس و دانشگاهها بیرون می‌آیند. در بسیاری از کشورها، مثلاً آلمان که بی‌نهایت به ورزش اهمیت می‌دهند، رشته شنا جزء دروس اجباری است. در ایران وضعیت درست برعکس است. در مدارس و دانشگاهها اصلاً امکانات نیست. خانواده‌ها هم ورزش را مهم نمی‌شمارند.

همه جا همه تقصیرها را به گردن مدارس و خانواده‌ها می‌اندازند. اما آیا تا بحال فعالیتی برای پیشرفت شنا در سنین پائین انجام شده است؟ "مدتی پیش حرکتی آغاز شد و در استخرهای کشوری و شیروودی مدرسه شنا با هدف استمرار فعالیت بچه‌ها در طول سال شکل گرفت. اما مدرسه شنا در استخر شیروودی تعطیل شد و کسی هم پاسخگو نبود. به نظر ما اگر حرکتی هم انجام شود، تا زمانی که روی کار مربی نظارت نباشد به نتیجه نخواهیم رسید. اگر لازم باشد باید به مربیان آموزش جدید بدهیم و اگر می‌بینیم سطح کار پائین است، مربی را عوض کنیم. متأسفانه مسئولان خیالشان راحت است که جوابگوی مقام بالاتری نیستند. اگر چند بارشان نتیجه کار خواسته شود، مجبور می‌شوند بهتر کار کنند یا ترك بکنند تا حداقل نیروی تازه بیاید و برنامه‌های جدیدی اجرا شود. مسئولان باید با دقت و توجه به انتخاب مربیان اقدام کنند."

برای مربیگری در هر رشته ورزشی شرایط ویژه‌ای در نظر گرفته شده است. در رشته شنا: "حداقل مدرک تحصیلی دیپلم است. این نشان می‌دهد که در چند سال اخیر مربیگری را جدی گرفته‌اند. حداقل سن مربی ۲۲ سال در نظر گرفته شده است. البته مردها باید گواهی پایان خدمت داشته یا دانشجو باشند. کسانی که علاوه بر داشتن شرایط فوق، چهار نوع شنا را به طور کامل بلدند، پس از گذراندن يك دوره کلاس تئوری و عملی مدرک مربیگری درجه سه می‌گیرند. بعد از سه

سال فعالیت مدرک درجه دو می‌گیرند، و پس از سه سال دیگر مدرک درجه يك. اما متأسفانه کلاسهای مربیگری در سطوح مختلف از نظر کیفی تفاوت چندانی با هم ندارد. مربیان ما از علم روز دنیا عقب‌اند، به اطلاعات روز دنیا دسترسی نداریم. در کشورهای دیگر دسترسی به اینترنت آسان است و مربیان اطلاعات مورد نیاز را از این طریق به دست می‌آورند. به نظر من فدراسیونهای مختلف ورزشی که حتماً به اینترنت متصل هستند وظیفه دارند اطلاعات مربوطه را ترجمه کنند و در اختیار مربیان قرار بدهند. ما حتی حاضریم بابت این اطلاعات مبلغی به فدراسیون بپردازیم.

"با وجود تمام این مشکلات، شناگران ما به مرحله خوبی می‌رسند ولی ثابت می‌مانند و درجا می‌زنند. در این سطح اولاً شناگر باید وقت بیشتری صرف تمرین کند تا از این مرحله بگذرد. مسئله دیگر به مربی برمی‌گردد که باید به شناگر بگوید چه کند."

برای پیشرفت در ورزش به برنامه‌ریزی نیز احتیاج داریم. اما برنامه‌ریزی چه جایگاهی در شنای ایران دارد؟ "برنامه‌ریزی به طور کلی در ورزش ما جایی ندارد و این به شنا محدود نمی‌شود. مربی نمی‌تواند برای شاگردانش برنامه‌ریزی کند. مدتی پیش کمیته ملی المپیک از سه مربی کوپایی دعوت کرد تا به مربیان ما برنامه‌ریزی یاد بدهند. مربیان بعد از اینکه در شان تمام شد گفتند: این برنامه به درد مملکت شما نمی‌خورد. چون تعطیلات شما بیش از روزهای کاری است. استخرهای ما در رمضان نیمه تعطیل است؛ ایام عید تعطیل است؛ اعیاد بین سال، ایام سوگواری؛ روزهای معمولی هم که به عناوین مختلف تعطیل می‌شود. با این وضع حتی يك برنامه کوتاه مدت ششماهه منظم هم نمی‌توانیم ترتیب بدهیم. مربی تیم را به اوج می‌رساند بعد يك مرتبه يك هفته تعطیل می‌شود. در سطح قهرمانی حتی يك روز تعطیل هم برنامه‌ها را به هم می‌ریزد."

با تمام این مسائل، در المپیک امسال شرکت کننده‌ای از ایران نسبتاً خوب کار کرد، تا جایی که کشور استرالیا پیشنهاد کرد هزینه تحصیل او را در استرالیا بپردازد تا بتواند به صورت حرفه‌ای آموزش ببیند. اما نبودن مربی همراه این شناگر تعجب‌انگیز و مایه تأسف بود.

"در المپیک سیدنی هر کشوری می‌توانست در رشته‌های پایه شرکت‌کننده داشته باشد. ما بعد از مدتها يك شناگر خوب با فیزیک بدنی مناسب ساختمیم و او را به سیدنی فرستادیم. در مسابقات جهانی مثل المپیک، شاید نقش مربی ۷۰ درصد

باشد و ورزشکار ۳۰ درصد. حالا اینکه همراه، چه کسی باشد به برنامه‌ریزی فدراسیون بر می‌گردد. شناگر ما می‌رود بدون اینکه بداند قبل از مسابقه چه تغذیه‌ای داشته باشد و چکار کند. شب قبل از مسابقه از فشار روحی نمی‌تواند بخوابد. کسی که می‌گفتیم به مقام بیستم می‌رسد چهل و ششم شد. نقش مربی همراه در کم کردن اضطراب و فشارهای روحی بسیار اهمیت دارد." در کشوری که ورزش به شکل حرفه‌ای دنبال نمی‌شود جایگاه اجتماعی مربیان ورزش کجاست؟ "يك مربی از نظر روحی و وجهه

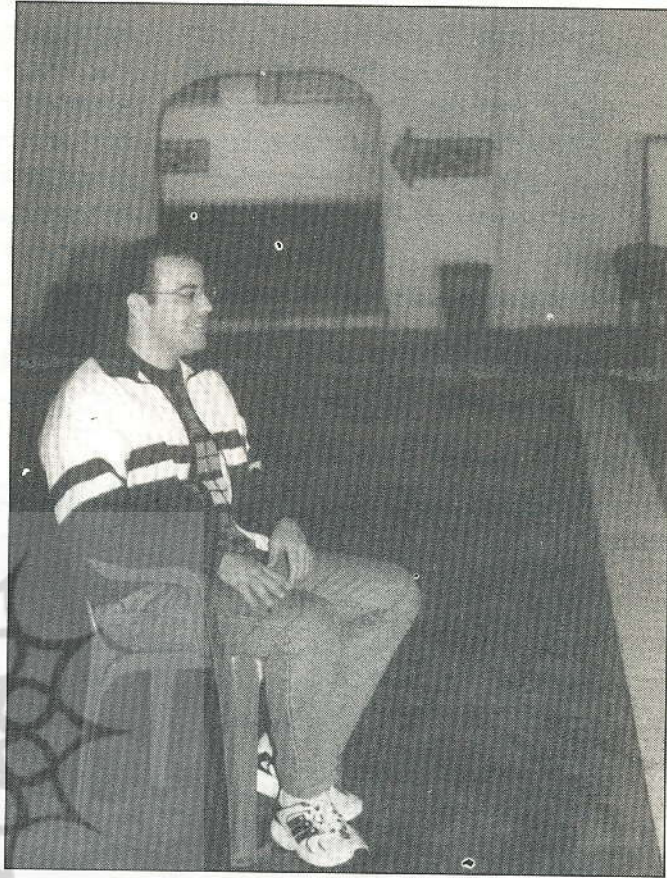
■■■■■■■■■

اگر تیمی با مربی خارجی نتیجه مثبت نگیرد، همه تقصیرها به گردن مربی است: مربی را مسئول دوپینگ بوکسورهای ایرانی در المپیک می‌دانند. اما زمانی که تیمی به نتایج خوبی دست می‌یابد، نام مربی خارجی تقریباً محو می‌شود و "همت و غیرت بچه‌های ایرانی" مهمترین عامل پیروزی تیم است.

■■■■■■■■■

اجتماعی در سطح پائینی قرار دارد. اگر کسی کار کند، صرفاً به خاطر علاقه به این رشته است. زمانی که در خارج از کشور تا گفتم مربی شنا هستم، امکانات استخر را در اختیارم گذاشتند بدون اینکه مدرکی بخواهند. یعنی برای مربی احترام قائل اند. اما در ایران اگر تمام مدارک و کارتهایمان را دست بگیریم، به استخری غیر از محل کارمان راهمان نمی‌دهند. این از رشته خودمان، در جامعه قضیه خیلی جالب‌تر است؛ اگر بگیری

مربی شنا هستی می‌پرسند "خوب شغلت چیست؟" و دور از تصور نیست که بیشتر مربیان دوشغله باشند. این روی سطح کیفی کار تأثیر منفی می‌گذارد."



کیوان امرالله، مربی شنا

فوتبال دختران شاید جدیدترین رشته

ورزشی باشد که در کمتر از سه سال از شروع فعالیتش پیشرفتی قابل‌ملاحظه داشته است، هرچند هنوز حتی بسیاری از دست‌درکاران ورزش با آن بیگانه‌اند. اگر دختر باشید و به کسی بگویید فوتبال بازی می‌کنید، ابتدا با تمسخر و سپس با تعجب نگاهتان می‌کند.

برای صحبت با مربیان فوتبال به باشگاه حجاب - جایی که نخستین کلاسهای فوتبال در آن تشکیل شد - می‌روم. مهناز امیرشاقی، مربی این تیم، در حین تمرین دادن شاگردانش به من پاسخ می‌دهد: "اسفند ۱۳۷۵ هیئت فوتبال تهران تصمیم گرفت یک دوره کلاس آموزشی مربیان فوتسال [فوتبال داخل سالن] بگذارد. من در این کلاسها شرکت کردم و شاگرد اول شدم. بعد از اولین دوره کلاس مربیگری که حدود ۱۵ نفر در آن آموزش دیدند، پارسال کلاسهای مربیگری

متعددی تشکیل شد. فکر می‌کنم رویهم حدود ۸۰ مربی فوتسال با کارت مربیگری درجه سه داریم که متأسفانه همه آنها فعال نیستند. چهار مربی در تهران با هماهنگی فدراسیون در یک دوره

کلاس مربیگری مربیانی که از هلند آمده بودند شرکت کردیم؛ خانمها قاسم‌نژاد، دانایی‌فر، پرتوی و من. مربیان ما مرد بودند؛ دوره‌های نظری را نزد آنها گذراندیم و دوره‌های عملی را خودمان کار کردیم."

در دو سالی که از عمر فوتبال دختران می‌گذرد مسابقات نسبتاً منظمی برگزار شده است. "از سال ۷۶ که اولین کلاس آموزشی در سالن حجاب برگزار شد، حدود یک سال و نیم تمرین می‌کردیم، تا سال ۷۷ که هیئت فوتسال استان تهران تشکیل شد و باشگاهها به شکل رسمی و جدی‌تری فعالیت خود را ادامه دادند. الان بیش از ۲۰ تیم در سطح تهران وجود دارد و هر کدام از استانها نیز برای خود تیمهایی دارد. قرار است در سال ۱۳۸۰ مسابقات کشورهای اسلامی برگزار

شود. به همین دلیل تیم ملی فوتبال سالی هم خواهیم داشت. تا به حال مسابقات زیادی در سطح کشور برگزار شده است: مسابقات کشوری، جام رمضان، مسابقات آزاد تهران، دسته ۱ تهران، جوانان تهران."

از پدیده‌های جدید همیشه استقبال می‌شود. در اولین دوره کلاسهای آموزشی در هر ساعت بیش از ۵۰ نفر در سنین مختلف حضور می‌یافتند. بعد از گذشت مدت زمانی نه چندان طولانی وضعیت به کجا رسیده است: "فوتبال ورزشی نامی است و بسیاری از روی علاقه به سمت آن می‌آیند، نه به دلیل داشتن تکنیک درست. کسانی فوتبال دوست دارند ولی برای این کار ساخته نشده‌اند؛ عده‌ای از نظر شرایط جسمانی آماده هستند و علاقه هم دارند. سه چهار تیم ما تیمهای خوبی‌اند و ما بازیکنان خوبی داریم. در حال حاضر تیمهای من مقام اول و دوم و سوم تهران را به دست آورده‌اند و سعی می‌کنم این مقامها را در سطح کشور حفظ کنم."

تا چه حد می‌توان به بازی فوتبال دخترانی امیدوار بود که زمین چمن ندارند؟ امیرشاقی می‌گوید: "فکر می‌کنم برای دخترها - فعلاً - فوتسال بهتر است چون امکانات اولیه را داریم. زمین چمنی که سرپوشیده باشد یا از دور و بر دید نداشته باشد نداریم."

وزنه‌برداران ایران در دو سال گذشته سکوت

بیست‌ساله را شکستند و در مسابقات جهانی رکوردهای خوبی به جا گذاشتند. در مسابقات المپیک سیدنی هم با وجود کناررفتن شاهین نصیری‌نیا، به مقام نایب قهرمانی دست یافتند. شاید یکی از دلایل این تحول، حضور یوردان ایوانف، مربی بلغار، باشد.

علی مرادی، دبیر فدراسیون وزنه‌برداری، می‌گوید: "اگر کسی بین مربیگری برای تیمهای پایه و تیم ملی تفاوت اصولی قائل شود مطمئناً اشتباه کرده است. در حال حاضر ما در سطح تیم ملی از یک مربی متبحر استفاده می‌کنیم که با کلاس روز دنیا آشناست و توانسته است وزنه‌برداری ما را به سطح بالایی در دنیا برساند."

تفاوت فنی مربیان ایرانی با مربی خارجی در چیست و چرا ما نتوانستیم با استفاده از مربیان داخلی در سطح جهان مطرح شویم؟ "باید این واقعیت را پذیرفت که ما نیازهای مالی مربیانمان را تأمین نمی‌کنیم و مربیگری برای ما شغل دوم یا سوم است. اگر زنجیره آموزشی پایه‌ای قوی داشته باشد، تعلیم‌دیدگان در مراحل بالاتر نیز موفق خواهند شد. مربی خارجی ما با وجدان کاری بسیار بالا و تحلیل مسائل جهانی به‌روز، توانسته نتیجه خوبی به دست آورد. می‌توان تغییر اوزان از ۱۰ به هشت وزن را مثال زد که حدود یک سال قبل از اجرای آن، در ایران پیاده شد. زمانی که ورزشکار می‌خواهد در مسابقات قهرمانی جهان یا المپیک شرکت کند می‌داند در چه دسته‌ای از اوزان باید قرار بگیرد. اینجاست که می‌بینیم ورزشکارانی که شاید بسیار آماده باشند به دلیل اینکه مربی نتوانسته آنها را با شرایط تطبیق دهد موفق نمی‌شوند."

یکی از مواردی که در سالهای اخیر در برخورد با مربیان خارجی در زمان موفقیت به چشم می‌خورد، نام نبردن از آنهاست. اگر تیمی با مربی خارجی نتیجه نگردد همه تقصیرها به گردن مربی است. در تازه‌ترین مورد، بعضی دست‌درکاران، مربی کوبایی تیم ملی را مسئول دوپینگ بوکسورهای ایرانی در المپیک دانستند. اما زمانی که تیم به نتایج خوب و مثبت دست می‌یابد، نام مربی خارجی تقریباً محو می‌شود و

”همت و غیرت بچه‌های ایرانی“ مهمترین عامل پیروزی تیم معرفی می‌شود. مثلاً بسیار زیاد است. پیروزی تیم فوتبال ایران بر استرالیا-با حضور ویرا-و تقدیر و تشکر از تیم در تمام روزنامه‌ها و شبکه‌های تلویزیونی-بدون حضور ویرا-را به یاد می‌آوریم. ”من نمی‌توانم در مورد رشته‌های ورزشی دیگر صحبت کنم اما در وزنه‌برداری جدا از اینکه آقای ایوانف با بچه‌ها مثل پدر برخورد کرده‌اند، مردم هم به خوبی از ایشان قدردانی کردند. آقای ایوانف نزدیک چهار سال است در تیم ملی ایران مشغول فعالیت هستند و کارهای بسیار زیبایی برای وزنه‌برداری کشور ما انجام داده‌اند و ما ایشان را ایرانی به حساب می‌آوریم.“ می‌توان امیدوار بود که در وزنه‌برداری برنامه‌ریزی مدونی برای آینده به وجود بیاید؟ ”از آقای ایوانف به‌عنوان مربی و از مربیان داخلی در کنار ایشان استفاده خواهیم کرد. هدف ما آشنا کردن بیشتر مربیانمان با نوآوری‌های روز جهانی است.“

والیبال ایران در رده‌های مختلف سنی- نوجوانان، جوانان و بزرگسالان- یکی از قدرتهای آسیا تبدیل شده تا جایی که در مسابقات قهرمانی جهان مقام هشتم را به دست آورد. مقام اول در مسابقات قهرمانی جوانان آسیا (۱۳۷۷، تهران) و پیروزی بر کشورهایمانند چین، ژاپن، کره و استرالیا بی‌سابقه بود.

موفقیت تیم سعید درخشنده، مدیر روابط عمومی بین‌المللی فدراسیون والیبال و سرپرست تیم ملی والیبال جوانان، انگیزه‌ای بود تا در مجموعه ورزشی آزادی با او درباره نقش مربی در ورزش گروهی والیبال صحبت کنیم. ”اگر بخواهیم کلی بحث کنیم، یک جواب دارد: مربی نقش بسیار مهمی دارد، اما اگر بخواهیم جزئی به این قضیه نگاه کنیم باید بگویم نقش مربی در رده‌های مختلف سنی متفاوت است. در تیم نوجوانان حدود ۷۵ درصد کار تیم بر عهده مربی و تکنیک فردی بازیکن در درجه بعدی از اهمیت است. مربی برای اینکه با روحیه و اخلاق و رفتار بچه‌ها آشنا شود، لازم است روانشناس خوبی باشد. به‌رحال نوجوان ممکن است در تکنیک نقایص زیادی داشته باشد و کارهای تاکتیکی را دیرتر بپذیرد، مربی در این رده کار دشواری بر عهده داد. ”در رده سنی جوانان این نقش تا حدودی کمتر می‌شود. علم روز والیبال نقش مربی را در تیم جوانان ۵۰ درصد می‌داند. اما کار مربی تقریباً با کار در تیم نوجوانان یکسان است. روحیه جوان با یک تشر یا یک نرمش بالا و پائین می‌رود. ما

این را در تورنمنت اسمال دقیقاً حس کردیم. یکی از فاکتورهایی که این دوره در آن نقص داشتیم، از نظر مربی بود. همچنین در رده سنی جوانان جذب ورزشکار و ایجاد انگیزه، وظیفه مهمی است که مربی در کنار آموزشهای تکنیکی و تاکتیکی باید انجام دهد. نقش مربی در تیم بزرگسالان خیلی کم است. شاید حدود ۲۵ درصد. چون این درخت ریشه گرفته، تنه‌اش ساخته شده، به مرحله بالا رسیده و دیگر نیازی به آموزشهای تکنیکی نیست. ورزشکار، والیبال را در نونهالی، نوجوانی و جوانی کامل کرده و در تیم بزرگسال فقط به هماهنگی نیاز دارد. هماهنگ کردن به مراتب ساده‌تر از کار آموزش است. به همین دلیل ما فکر می‌کنیم همیشه بهترین مربی را باید بالای سر نوجوانان و جوانان گذاشت. در تیم بزرگسالان یک مدیر خوب می‌تواند تیم را به هدفی که دارد برساند.

”در تیم ملی والیبال از نظر کارشناس و برنامه‌ریزی مشکل نداریم. کادر اجرایی ما برای برگزاری مسابقات بسیار قوی است همچنانکه در چند سال اخیر ثابت کرده‌ایم می‌توانیم میزبان خوبی باشیم. در سال ۱۹۹۶ از طرف دکتر آگوستا، رئیس فدراسیون جهانی، تقدیرنامه‌ای برای ما ارسال شد و به‌عنوان بهترین میزبان سال برای مسابقات نوجوانان جهان انتخاب شدیم. پیشرفت سالهای اخیرمان نشان می‌دهد مدیریتی قوی بر والیبال حاکم شده است. اگر نخواهیم از یک نفر نام ببریم، می‌توان گفت گروه مدیریت فدراسیون قوی عمل کرده است. با آمدن آقای یزدانی خرم به عنوان رئیس فدراسیون و کمکهای مردمی که ایشان جذب کردند و همچنین گردهم‌آوردن کارشناسان و پیشکسوتان، وضعیت ما واقعاً تغییر کرد. عوامل دیگری هم مهم هستند، مثلاً قرارگرفتن مربی و بازیکنان در جای مناسب خود، رسیدگی به بچه‌ها از نظر تغذیه و توالی تمرینها. مربیان ما هم همگام با پیشرفتهای جهانی از نظر علمی بهتر از گذشته عمل می‌کنند و کلاسهای بین‌المللی متعددی چه در تهران و چه در خارج گذرانده‌اند.“

هفت سالی است که ایوان بوگائینکف، مربی روس، در ایران مشغول کار است. در این مدت او در رده‌های مختلف بزرگسالان جوانان و نوجوانان سمت مربیگری را بر عهده داشته و در بعضی از تیمهای باشگاهی هم کار کرده است. می‌توان گفت این مربی نقش مهمی در رشد گیتی والیبال ما داشته و احتمالاً تفاوت‌هایی بین مربی ایرانی با مربیان خارجی وجود دارد. ”در بحث مربی خارجی باید به دو نکته باید توجه داشت: اگر

مربی خارجی با علم روز دنیا آشنا باشد و اخیراً از خارج دعوت شده باشد از لحاظ سطح معلومات مسلماً با مربیان ما فاصله دارد. به کارگرفتن چنین مربیانی البته هزینه سنگینی دارد که اگر بتوانیم از عهده آن برآیم برایمان ایده‌آل است. دوم، صحبت کردن مربیان. اگر مربی خارجی فارسی بلد نباشد عملاً تیم لطمه می‌خورد، چون مترجم حق حضور در کنار زمین را ندارد.“



برای دخترها- فعال- فوتسال بهتر است چون امکانات اولیه را داریم. زمین چمنی که سرپوشیده باشد یا از دور و بر دید نداشته باشد نداریم.



والیبال بانوان ما از سالها پیش زیبایی و جذابیت خاصی داشته و در واقع یکی از ورزشهایی است که دختران ایرانی در آن قوی عمل می‌کنند. ”مسئول مسابقات داخلی والیبال خانم نژاد ناییبی هستند که با ما ارتباط دارند. حوزه کار ما هماهنگ کردن کلاسهای بین‌المللی مربیگری، کلاسهای بین‌المللی داوری، اعزام به خارج و دعوت از تیمهای خارجی است. ما بیشتر تیم والیبال خوبی داشتیم. در حال حاضر هم مربیان خوبی هستند که در باشگاهها کار می‌کنند اما به علت کمی بازیهای ملی و به تبع آن انگیزه نداشتن ورزشکاران برای رسیدن به تیم ملی، سطح کار تا حدودی پائین می‌آید. یک دوره بازیهای کشورهای اسلامی انجام شد ولی ادامه نیافتنش باعث رکود ورزش ما شد.“

سعید درخشنده در مورد ورزش به طور عام می‌گوید: ”با توجه به اوضاع و شرایط کنونی کشور، باید در جوانان بیشتر ایجاد انگیزه کنیم و آنها را به سمت ورزش سوق دهیم. بهترین سالم‌ترین کاری که مسئولان، خصوصاً در آموزش و پرورش، می‌توانند یا آن وقت جوانان را ترکند ورزش است.“